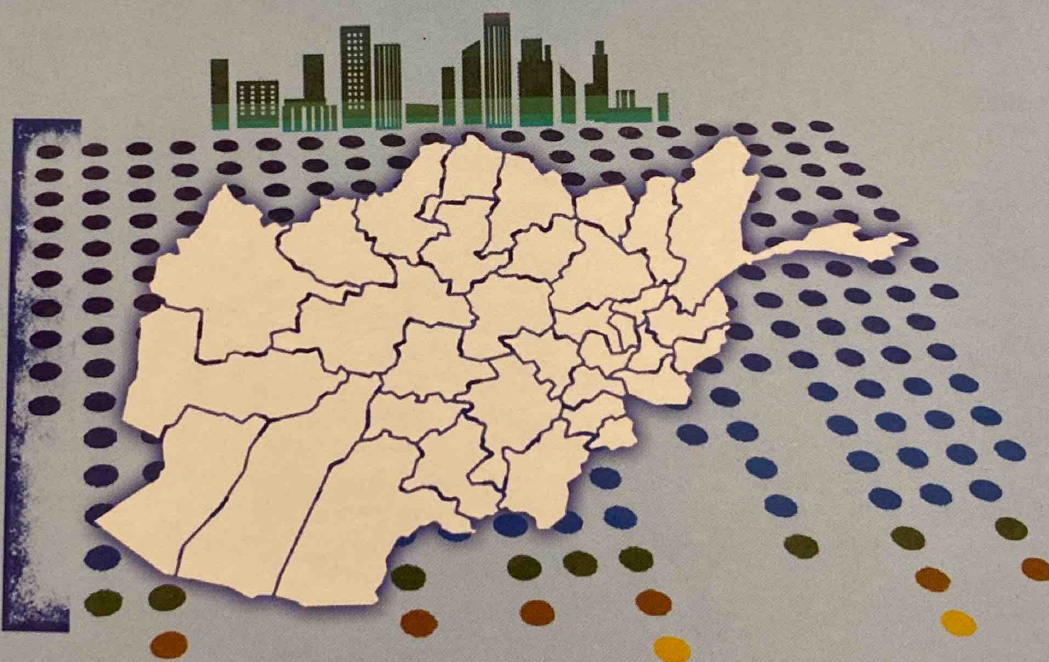




جغرافیای افغانستان

مؤلف: پوهاند میرهارون احمدی



بهار ۱۳۹۴ خورشیدی

فصل اول

موقعیت جغرافیایی و سیاسی افغانستان

افغانستان در نیم کره‌ی شمالی واقع است. محصور است در خشکه. افغانستان کشوری است در آسیای جنوبی، دریای جیحون در شمال، این کشور را از آسیای مرکزی جدا می‌کند.



از جنوب به واسطه‌ی بلوچستان به غرب متصل است. دریای سند در شرق (از گلگت تا بحرهند) حد فاصل افغانستان بابر صغیر هندوستان (هند و پاکستان)، از طرف غرب به واسطه‌ی ولایات بلوچستان، سیستان و خراسان با کشور ایران اتصال داشته و از طرف شمال شرق به چین می‌پیوندد.

افغانستان در گذشته

البته این حدود طبیعی و تاریخی کشور، با حدود سیاسی آن منطبق نبوده است. مثلاً در دوره‌ی دولت‌های یونان باختری (قرن ۲ قبل از میلاد)، کوشانی (قرن ۲ میلادی)، یفتلی (قرن ۵م)، صفاری (قرن ۹م)، غزنوی (قرن ۱۰ و ۱۱م)، غوری (قرن ۱۲ و ۱۳م)، تیموری (قرن ۱۵ و ۱۶م)، هوتکی و ابدالی (قرن ۱۸ و ۱۹م) حدود سیاسی افغانستان با تفاوت زمان گاهی در حوزه تارم و ایلی (کاشغر)، گاهی در ترکستان یا ماورای نهر، گاهی در ایران و گاهی هم در هندوستان کشیده می‌شد. گاهی به علت تغلب اجانب از حدود افغانستان کاسته می‌شد و یا تجزیه می‌گردید. آخرین دولت در افغانستان که حدود سیاست کشور را با حدود طبیعی آن منطبق ساخت دولت ابدالی در قرن (۱۸م) بود. اما در قرن (۱۹م) با انحطاط دولت ابدالی و استقرار دولت محمدزایی، حدود افغانستان از هرطرف مخصوصاً از طرف شرق و جنوب کاسته شده، تا اینکه شکل کنونی خود را اختیار نمود و از سواحل بحر و دریای سند عقب زده شده محاط به خشکه گردید.

نام‌های تاریخی افغانستان

۱- آریانا

قدیمی‌ترین نام این کشور که از عهد اویستا (هزارسال قبل از میلاد تا قرن ۵م) در طول یکنیم هزارسال براین کشور اطلاق می‌شد. در اویستا این نام به شکل ایریانا ذکر گردیده که در مقابل آن نام تورینا قرارداشت، یعنی آریایی‌های توریایی ماورای جیحون که در حالت بدوی زنده‌گی داشتند. به هر حال همین نام ایریانا و آریانا، افغانستان بود که بعدها با تغییر اندکی به کشور فارس (ایران) قبول شد.

۲- خراسان

بعد از قرن سوم میلادی کلمه‌ی خراسان که به معنای شرق و مطلع آفتاب است، پیدا شد از قرن پنجم میلادی تا قرن نهم میلادی در طی یکنیم هزارسال نام کشور افغانستان کنونی به‌شمار می‌رفت.

۳- افغانستان

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان (به پشتو: د افغانستان اسلامی جمهوریت) کشوری محصور در قسمت خشکه‌ی آسیای میانه است. این کشور حد فاصل آسیای میانه، جنوب غربی آسیا و خاورمیانه می‌باشد و پایتخت آن کابل است. همسایه‌گان افغانستان، پاکستان در

جنوب و شرق، ایران در غرب، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال-شرقی هستند. سرزمین‌های دربردارنده‌ی افغانستان نقطه‌ی مرکزی راه ابریشم و مهاجرت انسان-ها بود. باستان‌شناسان شواهدی از سکونت انسان‌ها تا بیش از ۵۰،۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به دست آورده‌اند. تمدن شهری ممکن است در این قلمرو در بین ۳،۰۰۰ تا ۲،۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده باشد.

افغانستان در محل ژئواستراتژیکی مهمی قرار گرفته که شرق، جنوب، غرب و آسیای مرکزی را وصل می‌کند. از روزگار باستان، این سرزمین شاهد فتوحات نظامی بسیاری؛ از جمله توسط اسکندر مقدونی، شاهنشاهی مایوریا، مسلمانان عرب، چنگیزخان و دیگران بوده است.

همچنین به عنوان منبعی برای سلسله‌های متعددی از جمله دولت یونانی بلخ، شاهنشاهی کوشان، هیاطله، کابل شاهان، سامانیان، صفاریان، غزنویان، سلسله غوریان، تیموریان و دیگران بود که هر یک امپراتوری خود را تأسیس کردند.

در اواسط قرن هفتم (۸۷۰-۶۴۲) پس از این که حمله‌ی اعراب به ایران با شکست امپراتوری ساسانی کامل شد، آنها به سوی شرق امپراتوری فارس هجوم برده و تمامی بخش‌های ایران را در سال ۶۴۲ میلادی همچنان شهر هرات را نیز تسخیر کردند. در سال (۸۷۰ هـ. ق) کابل و تمام مناطق افغانستان فعلی توسط اعراب فتح گردید.

تاریخ سیاسی افغانستان جدید در قرن (۱۸م) با برخاست قبایل پشتون (که به عنوان *اوغان* یا *افغان* در زبان فارسی شناخته می‌شوند)، زمانی که در سال (۱۷۰۹) میلادی سلسله‌ی هوتکی‌ها حکومت خود را در قندهار تأسیس کردند، و به صورت دقیق‌تر، زمانی که احمدشاه درانی امپراتوری درانی را در سال (۱۷۴۷) ایجاد کرد که پیش‌رویی از افغانستان امروزی شد.

پایتخت آن در سال (۱۷۷۶) از قندهار به کابل منتقل شد و بخشی از قلمرو آن به امپراتوری-های همسایه در سال ۱۸۹۳ واگذار شد. در اواخر قرن ۱۹، افغانستان به یک دولت حایل در "بازی بزرگ" بین امپراتوری‌های انگلیس و روس تبدیل شد.

در تاریخ ۱۹ حوت (۱۹۱۹)، پس از جنگ سوم افغان و انگلیس و امضای معاهده‌ی راولپندی، این ملت دوباره کنترل امور خارجه‌ی خود را از بریتانیا گرفت.

از اواخر دهه‌ی (۱۹۷۰) افغانستان جنگ‌های داخلی دنباله‌داری را تحمل کرد که با اشغال دولت‌های خارجی در همانند تهاجم اتحاد جماهیر شوروی در سال (۱۹۷۹) و تهاجم ایالات متحده در اکتوبر (۲۰۰۱م) که باعث سرنگونی دولت طالبان شد همراه بود.

واژه‌ی افغانستان

واژه‌ی افغانستان از دو بخش «افغان» و «ستان» تشکیل شده است. واژه‌ی افغان نام مستعار برای پشتون یا پشتو زبان است که توسط فارسی زبان‌ها ابداع شده و پسوند ستان در زبان فارسی به معنای جای یا سرزمین است.

واژه‌ی افغانستان به عنوان نام یک کشور در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی مصادف (۱۹۲۳) در قانون اساسی امان‌الله خان به تصویب رسید.

واژه‌ی افغان در سال (۱۳۴۳ هـ . ش) (۱۹۶۴م) در قانون اساسی تصویب شده محمد ظاهرشاه با تعریفی تازه و به معنای همه‌ی افراد شهروند کشور افغانستان به کار رفت. افغانستان، اگرچه به عنوان یک کشور و یک ملت دارای تاریخ جدید است؛ اما این سرزمین از لحاظ قدامت تاریخی، یکی از کهنترین کشورهای جهان به‌شمار می‌رود.



سرزمین افغانستان امروزی به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده‌ی ابریشم محل پیوندگاه تمدن‌های بزرگ جهان بوده و در طول قرن‌ها، قشرهای پنهانی از هویت‌ها، فرهنگ‌ها و باورها سرزمینی را که امروزه افغانستان نامیده می‌شود بازشناسانده‌اند.

این موقعیت مهم و حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی افغانستان در شکل دادن موزاییکی غنی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ همچون ایرانی، یونانی، بین‌النهرینی و هندی در این کشور نقش مهمی داشته است و میراث فرهنگی باستانی این کشور را ترسیم می‌کند. از پیکره‌های یونانی-بودایی گندهارا گرفته تا نگاره‌های دیواری مغاره‌های بامیان و تا نقوش تذهیب و خوشنویسی که زینت‌بخش بناهای دوران نخستین اسلامی هستند؛ از عصر پارینه سنگی و طی دوره‌های تاریخی، مردم افغانستان جایگاه عمده‌ی در معرفی و گسترش ادیان جهانی نقش مهمی در بازرگانی و داد و ستد داشته و گاه‌گاه کانون مسلط سیاسی و فرهنگی در آسیا بوده‌اند. از این رو افغانستان در طول تاریخ گلوگاه یورش مهاجمین و جهان‌گشایان بوده که رد پای آنها هنوز در گوشه و کنار این سرزمین دیده می‌شود.

اما نام افغانستان برای بار اول در قرن (۱۳م) در مورد قسمتی از ولایات شرقی کشور اطلاق گردیده، در قرن (۱۴م) این نام مخصوص علاقه‌ی تخت سلیمان و ماحول آن در شرق کشور بوده، در قرن (۱۶م) علاقه‌های جنوب کابل عنوان کشور (افغان) را گرفته، در قرن (۱۸م) از دریای سند تا کابلستان و از نزدیک کشمیر و نورستان تا قندهار و ملتان مسکن افغان‌ها خوانده شده است. بعد از آن که این سرزمین یک حکومت سیاسی را به شکل ابتدایی در سال (۱۷۴۷م) بعد از نادر افشار ترک‌تبار تحت قیادت احمد شاه درانی کسب نمود، خاندان‌سالاری و تفوق طلبی قومی، قبیله‌ی در بدنه‌ی جامعه‌ی چندین ملیتی این مرز و بوم جا گرفت.

به این ترتیب در طول ادوار تاریخی دوصد و پنجاه ساله، وحدت ملی و منافع ملی این مردم نثار و قربانی برتری جویی‌های خاندانی، قبیله‌ی و قومی گردیده است. تبعیض قومی، زبانی و منطقوی، استبداد و بی‌عدالتی ناشی از برتری جویی‌ها و خودخواهی‌ها با ابعاد گسترده‌ی در طول سالیان متمادی محسوس و متجلی بوده است. و چنین شیوه‌ی مناسبات از طرف دشمنان وحدت ملی افغانستان در خارج از مرزهای کشور نیز دامن زده شده و مغرضانه طرف تأیید و ترغیب قرار می‌گرفت.

مبارزه‌ی در راه حل مسأله‌ی ملی و اشتراک مساویانه‌ی تمام ملیت‌ها در امور اداری و سیاسی کشور از طرف شخصیت‌های ملی و رجال سیاسی وطن دائماً صورت گرفته که امروز در شکل‌گیری یک اندیشه‌ی سالم به خاطر حل بنیادی مسأله‌ی ملی در افغانستان بی‌تأثیر نبوده است.